

پرونده صبا درباره سریال آکتور

آکتور نمود واقعیت

تلخ اجتماعی

سریال «آکتور» برای اولین بار در تاریخ سریال سازی ایران، موفق شد جایزه بزرگ جشنواره «سرمزمانیا» را از آن خود کند. نویسندگی و کارگردانی این سریال را نیما جاویدی و تهیه کنندگی آن را مجید مطلبی بر عهده داشته است در این فیلم بازیگرانی چون: نوید محمدزاده، احمد مهرانفر، هستی مهدوی فر، هومن برق نورد، سیهانیاستی، گلاره عباسی، هانیه توسلی، مهرآه شریفی نیا و فریده سپاه منصور ایفای نقش داشته اند. این سریال از بهمن ماه ۱۴۰۱ پخش خود هر پنجشنبه از شبکه نمایش خانگی نماوا و فیلمورا آغاز و همچنان در حال پخش است. در این پرونده خبرنگار صبا، ضمن بررسی سریال، با سه منقد فیلم درباره «آکتور» صحبت کرده که در ادامه می خوانید.

فرهوند ناظریان
گفت و گو

درباره سریال:

نوید محمدزاده بعد از بازی در سریال قورباغه دومین تجربه بازی در سریال را پشت سر می گذارد. احمد مهرانفر هم که پیش از این در ۶ فصل از سریال پایتخت درخشیده بود با انبوهی از تجربه در سریال نمایش خانگی حضور دارد، این دو بازیگر نقش های اصلی سریال نیما جاویدی را به عهده دارند. سابقه نیما جاویدی اندک ولی درخشان است؛ نخستین فیلم او با نام «ملبورن» یک داستان اجتماعی است که با حضور پیمان معادی و نگار جواهریان ساخته شد. دومین ساخته جاویدی «سرخ پوست» است که یکی از پراقبال ترین فیلم های ایران در دهه ۹۰ و از جمله آثار پرمخاطب سینمای ایران است؛ است. مجید مطلبی که سابقه همکاری مشترک با جاویدی را در تهیه و تولید فیلم موفق سرخ پوست داشته است، این بار هم در مقام تهیه کننده سریال آکتور را تهیه کرده است. تعداد قسمت های سریال آکتور حدود ۲۲ قسمت در نظر گرفته شده است. جاویدی در سریال آکتور به سراغ یک روایت تقطیع شده رفته است و قرار است در هر قسمت غافلگیری های متفاوتی برای مخاطب داشته باشد که می توان با رمزگشایی از معماهای هر قسمت هیجان را به هفته های بعد موکول کرد. تعدد و تنوع سکانس ها در این سریال نشان می دهد با اثر قابل توجهی از نظر هنری و تصویری مواجه هستیم؛ قاب بندی دوربین، نوع نور و رنگی که در تصاویر دیده می شود، حساب شده و دقیق است. دقتی که در طراحی صحنه و لباس و اکسسوری انجام گرفته نشان می دهد که با اثر قابل اعتنایی طرف هستیم آثاری که به چشم و سلیقه مخاطب احترام می گذارند.

سمیه خاتون:

تشویش در مولفه های سبکی

داستان درباره دو بازیگر تئاتر است که در شرایط فعلی به علت مشکلات مالی قادر به نگهداری سالن اختصاصی نمایش خود نیستند. از همین رو گهگاهی با قبول کردن نقش بازی کردن در زندگی واقعی دیگران سعی می کنند قابی خاطره ساز در ذهن آنها ثبت کنند، آن ها برای این اجرای این پروژه ها از سفارش دهندگان هزینه می گیرند تا به طور مثال خاطره تولد و یا ازدواج افراد را با اتفاقات هیجان انگیز ماندگار کنند، اما از قسمت پنجم به بعد با ورود سفارش دهندهای قوی تر، کار این دو جوان رسمیت پیدا کرده و هدف بندی آن ها در حل معضلات و مشکلات لاینحل اجتماعی و خانوادگی ترسیم می شود، که به همین نسبت دستمزد دریافتی اجرای پروژه ها نیز با افزایشی فاحش نسبت به قبل با نقشه ای دقیق تر ادامه پیدا می کند. و در واقع موتور محرکه

سریال با بسط پیدا کردن پیش زمینه ای از خود داستان کارگردان منسجم تر به راه خود ادامه می دهد. و زندگی چهار شخصیت را به صورت موازی در طول داستان دنبال می کند (نوید محمدزاده، هانیه توسلی، احمد مهرانفر، هستی مهدوی فر) به این شکل، خط داستانی زندگی این چهار جوان در روایت پیش زمینه حول محور پیرنگ اصلی در هر قسمت قدری بازگو شده و به موازات هم جلو می روند. قصه های فرعی نیز که بر خط اصلی داستان سوار می شوند، با موضوع همان پروژه هایی است که شرکت سفارش دهنده در هر قسمت به مرتضی و علی می دهد، آن ها هم با قصه پردازی و گریم های مختلف به سراغ اشخاص واقعی برای تغییر، تحول و گاهی هم کشف یک ماجرا افراد وارد زندگی افراد می شوند. نیما جاویدی در وهله اول با ایده ای نو به میدان بازی آمده است، نقش پردازی در زندگی واقعی مردم، به عنوان شغل و منبع درآمد کاراکتر در نوع خود جذاب و تماشایی است. حفظ تماشاخانه و اجرای تئاتر «چراغ گاز» هم بسیار زیرکانه می تواند در نوع خود قابلی قوی برای جریان پیدا کردن قصه های فرعی باشد، از دیگر نقاط قوت سریال، گره مفهومی و مضمونی داستان های فرعی با روایت پیش زمینه در خط اصلی است. به طور مثال هامار تیای یکی از کاراکترها (هستی مهدوی فر) در روایت پیش زمینه، اعتیاد است اینکه او به تناسب شغلی که دارد، بارها و بارها در نقش یک معتاد و یا زنی که بواسطه اعتیاد فرزند خود را آزار داده او را با خود به چالش های درونی از جنس شخص با خود می کشد. و یا هانیه توسلی که قرار است در واقعیت با خبر مرگ فرزندش روبرو شود، با موضوع داستان مادر معتادی که قرار است به دروغ خبر مرگ فرزندش را به او بدهند قرین میشود. با این حساب می توان به این حدس رسید که آکتور نمایشی از انسان هایی است که نمایش در واقعیت زندگی آن ها تنیده شده است و شاید همه این زندگی یک صحنه نمایش است. با کدهای که از این فیلم در دست است احتمال می رود این فیلم در ادامه، لایه های زیرین نهفته بیشتری را از کاراکترهای اصلی خصوصاً علی «نوید محمدزاده» باز کند، خصوصاتی که به لحاظ مفهومی، زمینه چینی آن در خرده داستان های نمایشی قبلاً شرح داده شده است. در نتیجه در آکتور ما باید منتظر یک پیچش و شگفتی عجیب از شخصیت اصلی خصوصاً نقش علی باشیم.

نکته آخر

با توجه به سبک و ژانری که نیما جاویدی برای این سریال در نظر گرفته است گاهی احساس می شود این سریال در پرداخت مولفه های سبکی خود دچار تشویش است. چنانچه سبک این